

تجزیه و تحلیل ویژگی‌ها، مبانی و مؤلفه‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران

حسین هرسیج

چکیده

این مقاله در پی آن هست که با استفاده از روش‌های توصیفی و تحلیلی به تجزیه و تحلیل ویژگی‌ها، مبانی و مؤلفه‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران بپردازد. قدرت نرم از اهمیت فوق‌العاده‌ای برای بقا و استمرار نظام‌های مردم سالار، در مقایسه با نظام‌های اقتدارگرا و استبدادی، برخوردار هست. جمهوری اسلامی ایران، به‌عنوان یک نظام مردم سالار دینی، از بدو تولد در پی کسب، حفظ، استمرار و افزایش مؤلفه‌های قدرت نرم خود بوده است. چرا که با افزایش قدرت نرم در مواقع عادی، ضمن توانایی جلب و جذب افکار، اذهان، و قلوب توده‌ها، می‌تواند به‌هم‌افزایی و ذخیره‌سازی قدرت سخت و نیمه‌سخت خود در مواقع بحرانی دست یابد. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که نوع قدرت نرم مورد استفاده در جمهوری اسلامی، در مقایسه با نظام‌های لیبرال دموکراسی غربی، از نوع قدرت نرم رشد محور، به‌معنای توانایی نفوذ در رفتار دیگران بدون اجبار و اغوا، و عمدتاً بر پایه ارشاد، است. سه مؤلفه اصلی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران، مرکب از نظریه مردم‌سالاری دینی، فرهنگ شهادت و عدالت، و اصول استقلال و آزادی، دارای عناصری تفکیک‌ناپذیر از یکدیگر هستند که برگرفته از مبانی اسلام ناب محمدی (ص) و به‌ویژه فرهنگ متعالی شیعه است، و توانسته در مقایسه با نظام‌های سیاسی موجود افکار و اذهان مردم ایران و کشورهای منطقه را به خود جلب و جذب کند.

کلیدواژه. قدرت نرم، قدرت سخت، اغوا، ارشاد، مردم‌سالاری دینی، شهادت و عدالت، استقلال و آزادی.

مقدمه

قدرت نرم از اهمیت فوق العاده‌ای برای بقا و استمرار نظام‌های مردم‌سالار، در مقایسه با نظام‌های اقتدارگرا و استبدادی، برخوردار هست. جمهوری اسلامی ایران نیز، به‌عنوان یک نظام مردم‌سالار دینی، نمی‌تواند از افزایش مؤلفه‌های قدرت نرم خود برای حفظ و بقای نظام که از اوجب واجبات هست، غفلت کند. با افزایش قدرت نرم در مواقع عادی هست که می‌توان ضمن توانایی بر افکار، اذهان، و قلوب توده‌ها، به‌هم‌افزایی و ذخیره‌سازی قدرت سخت و نیمه‌سخت خود در مواقع بحرانی دست یافت. با توجه به رابطه بین فکر سیاسی و عمل سیاسی، در صورت فتح قلوب و اذهان، مردم مشارکت سیاسی و اجتماعی بیشتری را در قالب انتخابات، رأی‌دادن و حمایت از نظام سیاسی خود خواهند داشت. به‌علاوه، جمهوری اسلامی برای تحقق عملی اصل اعداد و آمادگی همه‌جانبه در حد توان (سوره انفال: آیه ۶۰)^۱، موظف هست برای تقویت اقتدار نظام تنها به ابعاد سخت و نیمه‌سخت قدرت بسنده نکنند، و علاوه بر آن به افزایش قدرت نرم خود همت گمارد، و با عنایت به غلبه ماهیت نرم‌افزاری جنگ استکبار جهانی علیه ایران، به‌ویژه پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و شکست سیاست‌های مداخله‌جویانه نظامی و سخت‌افزاری در ایران و کشورهای افغانستان و عراق، ضرورت دارد اصل مقابله‌به‌مثل (سوره بقره: آیه ۱۹۴)^۲ را مد نظر قرار داد و با افزایش مؤلفه‌های قدرت نرم به مقابله با جنگ نرم مهاجمان و متجاوزین علیه ارزش‌ها و باورهای ایران اسلامی پرداخت.

با عنایت به اهمیت قدرت نرم در پیدایش، استمرار و زوال حکومت‌ها این تحقیق در پی پاسخ به دو سؤال اصلی زیر هست:

۱. قدرت نرم در نظام جمهوری اسلامی ایران، در مقایسه با نظام‌های لیبرال دموکراسی غربی از چه ویژگی‌هایی برخوردار هست؟
۲. نظام جمهوری اسلامی ایران از چه مبانی و مؤلفه‌هایی از قدرت نرم برخوردار هست؟

۱. و اعدوا لهم ما استطعتم من قوة و من رباط الخيل ترهبون به عدو الله و عدوكم

۲. فمن اعتدى عليكم فاعتدوا عليه بمثل ما اعتدى عليكم

در این تحقیق از دو روش توصیفی و تحلیلی برای پاسخ به پرسش‌های فوق استفاده شده است. با بهره‌برداری از روش توصیفی، مفهوم قدرت نرم در تمایز با قدرت سخت، و نقاط اختلاف و اشتراک قدرت نرم در نظام جمهوری اسلامی ایران در مقایسه با قدرت نرم در نظام‌های لیبرال دموکراسی غربی مورد بررسی قرار می‌گیرد، و با استفاده از روش تحلیلی عناصر مؤلفه‌های قدرت نرم در جمهوری اسلامی ایران تجزیه و تحلیل می‌شود. با توجه به سؤالات اصلی مذکور این تحقیق در دو قسمت ساماندهی شده است: در قسمت اول به مفهوم قدرت نرم در مقایسه با قدرت سخت، و نقاط اشتراک و تمایز قدرت نرم در نظام جمهوری اسلامی ایران در مقایسه با نظام‌های دیگر پرداخته می‌شود. قسمت دوم، مؤلفه‌ها و مبانی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد.

قسمت اول. قدرت نرم رشد محور در جمهوری اسلامی ایران

قدرت نرم عبارت است از توانایی رسیدن به اهداف و خواسته‌ها از طریق اقناع و بدون اعمال فشار و ایجاد اجبار و اکراه. این مقوله توسط جوزف نای در دهه آخر قرن بیستم در خصوص لزوم بازنگری در ماهیت و نتایج قدرت ایالات متحده مطرح شد. نای قدرت را مرکب از دو لایه سخت و نرم می‌داند. قدرت نظامی و اقتصادی، به‌مثابه قدرت سخت، می‌توانند دیگران را به تغییر مواضع خود سوق دهند. این نوع قدرت بر پادشاه‌ها (هویج) و یا تهدیدها (چماق) مبتنی است. اما گاهی نیز می‌توان نتایج دلخواه را بدون تهدید یا پاداش ملموس کسب کرد. این شیوه غیرمستقیم رسیدن به نتایج مطلوب، چهره دوم قدرت نامیده می‌شود. بر این پایه، یک کشور می‌تواند به مقاصد مورد نظر خود در سیاست جهانی نایل آید، چون کشورهای دیگر، ارزش‌های آن را می‌پذیرند، از آن تبعیت می‌کنند، تحت تأثیر پیشرفت و آزاداندیشی آن قرار می‌گیرند و در نتیجه، خواهان پیروی از آن می‌شوند. در این مفهوم آنچه مهم تلقی می‌شود، تنظیم دستورالعملی است که دیگران را جذب کند. بنابراین قدرت نرم به‌معنای توان جذب کردن و شکل‌دهی به ترجیحات و اولویت‌های دیگران، با مقوله‌های نامحسوس و ناملموسی مانند جاذبه‌های شخصیتی، فرهنگی، ارزش‌ها، نهادهای سیاسی و نیز

سیاست‌های جذاب که مشروع و اخلاقی تلقی می‌شوند، می‌باشد. بر این اساس، اگر یک کشور ارزش‌هایی ارائه کند که موجب جلب و جذب دیگر کشورها شود و دیگران خواهان پیروی از آن باشند، آن کشور واجد قدرت نرم و رهبری آن نیاز به هزینه کمتری برای اجرای سیاست‌های داخلی و خارجی خود خواهد داشت (Nye, 2004; Nye, 1990a; Nye, 1990b; Nye, 1991).

اصغر افتخاری در یک مطالعه تطبیقی زوایای مختلف این دو نوع قدرت را به شرح زیر با یکدیگر مقایسه کرده است: قدرت سخت دارای ساختاری هرمی با منطق از بالا به پایین است، حال آنکه قدرت نرم در ساختاری کروی و با منطق دیالکتیک متن - بازیگر تولید می‌شود؛ در قدرت سخت، قدرت به امریت تعبیر شده و سبب گسست بین عامل و موضوع قدرت می‌شود، اما قدرت نرم با عنصر اقناع تعریف شده و قدرت در فضای ارتباط متقابل پدید می‌آید، یعنی عامل و موضوع بر یکدیگر مؤثر هستند؛ قدرت سخت مستقل از مؤلفه‌های محیطی تعریف می‌شود، در حالی که قدرت نرم پدیده‌ای اجتماعی و مرتبط با مؤلفه‌های محیطی است؛ قدرت سخت حالتی ترکیبی دارد، ولی قدرت نرم امتزاجی از مؤلفه‌های محیطی است؛ قدرت سخت ماهیتی متصلب دارد، ولی قدرت نرم تصویری ژلانی از قدرت است؛ تمایل قدرت سخت به سمت سکون هست، اما قدرت نرم به سوی تحول است؛ قدرت نرم بر سرمایه مادی بازیگر و قدرت نرم بر سرمایه اجتماعی بازیگر استوار است (ایزدی، ۱۳۸۷: ۲۹).

به نظر می‌رسد تقسیم‌بندی قدرت به سخت و نرم، همان‌گونه که ماکس وبر در مورد گونه‌های ایدئال (Ideal Types) نظر دارد، در مقام تحلیل است و نه در مقام واقع. به این معنا که در واقعیت هیچ دولتی در جهان پیدا نمی‌شود که صرفاً واجد قدرت سخت یا نرم باشد، بلکه ترکیبی از قدرت‌های مختلف را با درجاتی کمتر یا بیشتر از این انواع را دارا است. که بر اساس این محورها می‌توان گفت کشورهای دارای قدرت سخت بیشتر و قدرت نرم کمتر از نظام‌های اقتدارگرا و کشورهای دارای قدرت نرم بیشتر و قدرت سخت کمتر از نظام‌های مردم‌سالار محسوب می‌شوند. این دو نوع قدرت در واقع خاصیت هم‌افزایی بر یکدیگر دارند، به این معنا که قدرت نرم یک کشور که فتح قلوب و اذهان ملت‌ها است، می‌تواند کشور را در مواقع بحرانی و جنگی نجات دهد و

در مواقع عادی نیز با افزایش قدرت سخت و نیمه‌سخت، کارآمدی یک نظام سیاسی ارتقایافته و می‌تواند منجر به افزایش قدرت نرم آن شود.

نکته دیگری را که باید یادآور شد این هست که هرچند وضع مفهوم قدرت نرم به‌نام ژوزف نای و در اواخر قرن ۲۰ رقم خورده است، اما از لحاظ محتوایی می‌توان قدمت و ریشه این مفهوم کلیدی را در تاریخ پیدایش انسان، فرهنگ انسانی، و ظهور و افول حکومت‌ها دانست. در این خصوص می‌توان به‌برخی نصوص قرآنی، روایی و تاریخ اسلام به‌نحوی مختصر اشاره کرد. قرآن کریم در سوره بقره آیه ۲۵۶ (لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ)، با صراحت اجبار در پذیرش دین را نفی می‌کند، همان‌گونه که در این آیه شریفه سه مفهوم اجبار، ارشاد و اغوا به توالی آورده شده است، اصل پذیرش عقیده و انتخاب مسیر، آزاد است و اسلام کسی را با اکراه و اجبار و اغوا ملزم به پذیرش چیزی نمی‌کند. در دعوت به اسلام اصیل، روش‌های حکمت (برهان و استدلال)، موعظه حسنه و جدال احسن سوره نحل آیه ۱۲۵ (ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ)، و انتخاب احسن پس از شنیدن سخنان گوناگون و تأمل و تفکر در مورد آن‌ها سوره زمر آیات ۱۷ و ۱۸ (فَبَشِّرْ عِبَادِ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ) توصیه شده است. سیره اولیای دین نیز همواره بر مباحثه و گفت‌وگوی آزاد علمی با ارباب ادیان و عقاید تأکید کرده است.

البته عدم اجبار در دین ملازم با امکان تبیین رشد از غی است. به این معنا که در چنین جوامعی باید مرزهای بین اغوا و ارشاد مشخص باشد و در این صورت است که توده‌ها و عموم مردم با عنایت به فطرت پاک و بصیرتی را که در نتیجه تبیین به‌دست می‌آورند راه هدایت را از گمراهی تمییز می‌دهند. بنابراین، از این آیه قرآنی می‌توان از دو نوع قدرت نرم نام برد: قدرت نرم مبتنی بر اغوا، که قدرت‌های شیطانی، اموی، ماکیاولیستی و استکباری از آن برای فریب و تسلط بر توده‌ها استفاده می‌کنند؛ و قدرت نرم مبتنی بر ارشاد، که قدرت‌های الهی، متجلی در حکومت انبیا، معصومین، و صالحین از آن برای هدایت مردم بهره‌برداری می‌کنند.

برخی از متفکرین غربی نظیر نوآم چامسکی و ادوارد هرمن، معتقدند که نقش تبلیغات و هیاهوی سیاسی در نظام لیبرال دموکراسی، همان نقش چماق و اجبار را در

نظام‌های دیکتاتوری و تمامیت‌خواه ایفا می‌کند. عامل تعیین‌کننده در بقا و استمرار قدرت نخبگان حاکم در نظام‌های اقتدارگرا بیشتر از طریق به‌کارگیری زور و اجبار، و نه تبلیغات، است. در عوض، اصحاب قدرت در دموکراسی‌های موجود در غرب بیشترین نیاز را به تبلیغات، به‌جای زور و اجبار، برای تداوم حکومت‌های خود دارند. در دموکراسی‌ها از لحاظ نظری این امکان برای اکثریت مردم وجود دارد که تغییرات اساسی را بر خلاف منافع دارندگان قدرت و ثروت به‌وجود آورند، اما در مقام عمل، صاحبان ثروت و قدرت با به‌کارگیری اشکال گوناگون تبلیغات رسانه‌های انحصاری و مسلط به دست‌کاری افکار و اذهان مردم می‌پردازند و با اغوا و فریب افکار عمومی نقش اکثریت مردم را به تماشاگر و ناظر تقلیل داده و با ایجاد رضایت و اقیان در بین توده‌ها بقا و استمرار نظام‌های لیبرال دموکراسی را تضمین می‌کنند (Chomsky 1997; Herman and Chomsky 1988).

تاریخ اسلام نیز نشان می‌دهد که از بدو ظهور اسلام، توجه به قدرت نرم در مقابل قدرت سخت و نیمه‌سخت، کانون توجه اولیای دین بوده است. به‌طور مثال، محبت رمز نفوذ پیامبر (ص) در میان مردم و گسترش اسلام تاکنون بوده است. همان‌گونه که استاد مطهری در کتاب *جاذبه و دافعه امام علی (ع)* یادآور می‌شوند:

علاقه و محبت زمام‌دار عامل بزرگی است برای ثبات و ادامه حیات حکومت، و تا عامل محبت نباشد رهبر نمی‌تواند و یا بسیار دشوار است که اجتماعی را رهبری کند و مردم را افرادی منضبط و قانونی تربیت کند. خداوند خطاب به پیغمبر در سوره آل عمران آیه ۱۵۹ می‌فرماید که ای پیغمبر! نیروی بزرگی را برای نفوذ در مردم و اداره اجتماع در دست داری: «به‌موجب لطف و رحمت الهی، تو بر ایشان نرم‌دل شدی که اگر تندخوی سخت‌دل بودی از پیرامونت پراکنده می‌شدند. پس از آنان در گذر و برای‌شان آموزش بخواه و در کار با آنان مشورت کن» (فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ) در اینجا علت گرایش مردم به پیامبر را علاقه و مهری دانسته که نبی اکرم (ص) نسبت به آنان مبذول می‌داشت.

برای تقریب به ذهن و تفکیک دو قدرت نرم مبتنی بر اغوا و ارشاد می‌توان دو نوع حکومت علوی و اموی را با یکدیگر مقایسه نمود. در این خصوص کلام ۱۹۱ مولا علی (ع) در نهج البلاغه (والله ما معاویه بادهی منی و لکنه یغدر ویفجر. ولو لا کراهیه الغدر لکنت ادهی الناس) به خوبی تفاوت بین این دو را نشان می‌دهد. معاویه با به‌کارگیری انواع فریب، اغوا و نیرنگ و نگاه به قدرت و دست‌یابی به حکومت به‌عنوان طعمه در جریاناتی مانند رویداد حکمیت تلاش کرد با سیاست فریبکارانه قرآن بر سر نیزه‌کردن نظرات مردم را به‌خود جلب کند. همان‌گونه که یک ماهی‌گیر برای به‌دام‌انداختن ماهیان طعمه خود را به دریا می‌اندازد و ماهیان خود به‌طرف طعمه می‌روند و به صید ماهی‌گیر در می‌آیند. در حالی که امام علی (ع)، در نامه به عامل خود اشعث بن قیس در آذربایجان حکومت را به‌عنوان امانت در نظر می‌گیرد و نه لقمه چرب (ان عملک لیس لک بطعمه و لکنه فی عنقک امانه) (نهج البلاغه، نامه ۵)، و در سخن معروف خود به ابن عباس و در هنگام وصله‌زدن به کفش پاره‌اش، تنها در صورتی که قدرت و حکومت وی منجر به احقاق حق و دفع باطل گردد واجد ارزش می‌داند (والله لهی احب الی من امرتکم الا ان اقیم حقاً او ادفع باطلا) (نهج البلاغه، خطبه ۳).

در قدرت نرم مبتنی بر ارشاد رهبری از چنان جذابیتی برخوردار هست که پیروانش با جان و دل دستوراتش را می‌پذیرند، هر چند مورد تنبیه و مجازات وی قرار گیرند. استاد مطهری به یکی از دوستان وفادار امام علی (ع) اشاره می‌کند که پس از اجرای حد امام بروی در حالی که قطرات خون از پنجه راستش می‌چکید، در پاسخ به سؤال ابن‌الکواء خارجی، که می‌خواست از این جریان به‌نفع حزب خود و علیه امام علی (ع) استفاده نماید، گفت: پنجه‌ام را برید سید جانشینان پیامبران، پیشوای سفیدرویان قیامت، ذیحق‌ترین مردم نسبت به مؤمنان، علی بن ابی‌طالب، امام هدایت... ابن‌الکوا گفت: وای بر تو! دستت را می‌برد و اینچنین ثنائش می‌گویی؟! گفت: چرا ثنائش نگویم و حال اینکه دوستیش با گوشت و خونم در آمیخته است؟! به‌خدا سوگند که نبرید دستم را جز به حقی که خداوند قرار داده است.

قسمت دوم. مبانی و مؤلفه‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران

انقلاب اسلامی ایران را می‌توان تجلی تحقق قدرت نرم به معنای توانایی نفوذ در رفتار دیگران بدون تهدید و یا اغوا، و عمدتاً بر پایه ارشاد به‌شمار آورد. انقلاب اسلامی ایران از رهگذر تبیین اندیشه‌ها و آرمان‌هایی نظیر نظریه مردم‌سالاری دینی، فرهنگ شهادت و عدالت، و اصول استقلال و آزادی توانست به نتیجه دلخواه و مطلوب خود یعنی صدور اصول و ارزش‌های انقلاب دست یابد. این ارزش‌ها، اصول و آرمان‌ها، به‌عنوان مؤلفه‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران، برگرفته از مفاهیم اسلام ناب محمدی (ص) و به‌ویژه فرهنگ متعالی شیعه است، و توانسته در مقایسه با نظام‌های سیاسی موجود افکار و اذهان مردم ایران و کشورهای منطقه را به‌خود جلب و جذب کند.

مؤلفه اول. نظریه مردم‌سالاری دینی

مهم‌ترین دستاورد جمهوری اسلامی ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی که استکبار جهانی را نگران نموده است تجربه مردم‌سالاری دینی هست که دارای مؤلفه‌هایی است که نه تنها در داخل بسیاری از مشکلات کشور را حل کرده است، بلکه در خارج از کشور نیز توانست بر ذهن و افکار دیگران تأثیر بگذارد و به‌عنوان مدل و الگویی برای حل مشکلات دیگر کشورها، و به‌ویژه خاورمیانه، مد نظر نخبگان و عموم مردم قرار گیرد. مشکل اصلی غرب با ایران، دستاوردهای علمی ایران، نرخ رشد بالای علم و فناوری، دستیابی به فناوری‌های نوین، از جمله فناوری‌های هسته‌ای، ماهواره‌ای و موشکی، نیست، هر چند جای بسی غرور و افتخار برای ملت بزرگ ایران هست که به‌چنین درجه‌ای از علم و فناوری و قدرت سخت و نیمه‌سخت در منطقه دست‌یافته است. مهم‌ترین دستاورد جمهوری اسلامی ایران ارائه الگو و مدلی برای حل مشکلات عدیده‌ای مانند استبداد داخلی، وابستگی در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، و توسعه نیافتگی است که با تجویز آن توانست تجربه‌ای از سیاست و حکومت را ارائه کند که به‌عنوان بدیلی برای نظام‌های موجود در منطقه مورد توجه قرار گیرد. این دستاورد همانا تجربه مردم‌سالاری دینی هست که توانست ضمن بهره‌برداری از عصاره مزایای تجارب بشری در طول تاریخ، نوعی نظام سیاسی را ساماندهی نماید که ضمن

حفظ شکل مردم‌سالاری و جمهوریت، از لحاظ محتوا هویت اسلامی خود را حفظ نماید. این تجربه نشان داد که برای اداره کشور لازم نیست فقط به الگوهای موجود، همچون لیبرال دموکراسی، بسنده نمود و ضمن استفاده از تجارب گران‌قدر بشری آن را با ارزش‌های گران‌قدر اسلامی گره زد. جمهوری اسلامی ایران مغز متفکر این تجربه جدید بود.

مدل مردم‌سالاری دینی، پس از رحلت حضرت امام (ره)، از سوی مقام معظم رهبری به‌عنوان مدل بازسازی شده از نظریه ولایت فقیه حضرت امام (ره) برای توصیف و تبیین نظام جمهوری اسلامی مطرح شده است. از نگاه ایشان در مردم‌سالاری دینی، به‌عنوان یک حقیقت واحد در جوهره نظام اسلامی، ضمن آنکه مردم در حکومت و تعیین شخص حاکم دارای نقش هستند، احکام و مقررات اسلامی بر زندگی مردم حکومت می‌کند:

برخی، مردم‌سالاری دینی را ترکیبی از دو واژه مردم‌سالاری و دینی دانسته‌اند؛ در حالی که بسیاری از نظریه‌پردازان اسلامی آن را واژه مرکب نمی‌دانند. آنان قائل‌اند که مردم‌سالاری دینی به‌معنای ترکیب دین و مردم‌سالاری نیست، بلکه یک حقیقت واحد در جوهره نظام اسلامی است؛ یعنی اگر بنا باشد نظامی بر مبنای دین شکل گیرد، بدون پذیرش مردم ممکن نیست. ضمن آنکه تحقیق مردم‌سالاری واقعی هم بدون دین امکان‌پذیر نیست (روزنامه/اطلاعات، ۸۲/۱۰/۱۴).

بنابراین ضمن تأکید بر تفکیک‌ناپذیری دو واژه مردم‌سالاری و دینی از یکدیگر، ارائه نظریه مردم‌سالار دینی، به‌عنوان مهم‌ترین مؤلفه قدرت نرم‌افزاری جمهوری اسلامی ایران، در مقایسه با نظام‌های دیگر موجود در کشورهای مختلف، بر اساس دو بُعد ولایت فقیه عادل و مردم‌سالاری، به‌شرح زیر مورد بررسی قرار می‌گیرد:

در نظریه مردم‌سالار دینی بحث یک یا چند نفر حاکم از لحاظ کمی بیشتر جنبه فرمال دارد و از لحاظ نظری هیچکس غیر از خداوند بر دیگری حق حاکمیت ندارد (إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ) (سوره انعام آیه ۵۷) و فقط با مجوز الهی می‌باشد که حاکمیت خداوند در معصومین (پیامبر و ائمه) تجلی پیدا می‌نماید (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ

وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» (سوره نساء آیه ۵۹) و در زمان غیبت امام معصوم نیز حاکمیت از آن فقیه عادل هست، همان‌گونه که امام صادق (ع) در جملات کوتاه و جامعی، ضمن بیان مشخصه‌های «فقها» فرمودند: «هرکس از فقیهان، که خویشان دار، پاسدار دین، مخالف هوای نفس و مطیع امر مولای خویش (امام و حجت بر حق الهی) باشد، بر دیگران است که از او پیروی نمایند» (واما من كان منا الفقهاء صائناً لنفسه، حافظاً لدينه، مخالفاً على هواه، مطيعاً لامر مولاه فللعوام ان يقلدوه) (طبرسی: ۱۴۱۳، جلد ۲: ۲۶۳). بنابراین، اولین ویژگی نظریه مردم‌سالاری حاکمیت فقیه عادل در زمان غیبت امام معصوم است، که در تمایز با نظام‌های سیاسی موجود در جهان می‌باشد که در آن حاکمیت یک نفر (حکومت‌های سلطنتی و استبدادی)، چند نفر (حکومت‌های نظامی و یا حزبی)، و یا به نام دموکراسی‌های لیبرال در نوسان هست.

ولایت و رهبری امام خمینی (ره) و مقام معظم‌رهبری از مهم‌ترین مؤلفه‌های قدرت نرم‌افزاری نظام جمهوری اسلامی که توانسته‌اند با جلب و جذب قلوب و افکار مردم ایران در مقابل انواع تهدیدهای سخت‌افزاری و نرم‌افزاری ایستادگی کنند و با ثبات‌ترین کشور در خاورمیانه را پس از بیش از سی سال به ارمغان آورند. امام خمینی (ره) تئوری پرداز نظریه ولایت فقیه با درس‌گرفتن از مبارزات روحانیت در تاریخ معاصر، بر نقش محوری و مستقیم علما و روحانیت در هرگونه مبارزه مؤثر علیه رژیم استبدادی و تلاش برای تشکیل حکومت اسلامی تأکید می‌کردند. لاپی‌یر ویژگی‌هایی را برای رهبری احصا کرده است، که در حد کمال در وجود امام خمینی (ره) عینیت یافت: «صلاحیت و لیاقت در عمل امتحان شده، بصیرت و کاردانی و آگاهی، جان‌نشاری و اخلاص در خدمت عام». صداقت، شفافیت، بصیرت، و ایثار و تعهد عمیق ایشان به اسلام از ایشان چنان شخصیتی عظیم به وجود آورد که بدون توجه به قدرت نرم عمیق آن امام راحل انقلاب اسلامی به پیروزی نمی‌رسید و نظام جمهوری اسلامی نمی‌توانست از بحران‌های مختلف امنیتی و سخت‌افزاری در دوره استقرار و تثبیت عبور کند. در واقع، اصل مترقی ولایت فقیه، رهبری مورد نظر امام خمینی (ره) را در نظام جمهوری اسلامی به عنوان بزرگ‌ترین منبع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران

نهادینه ساخت (ایزدی، ۱۳۸۷: ۱-۲۰). تا جایی که هیگ، وزیر امور خارجه وقت آمریکا، در این باره اینچنین اظهار نظر می‌کند: «آمریکا هنوز موفق نشده است در برابر حتی یکی از مواضع رهبری انقلاب ایران موفق و پیروز شود و هنوز ابعاد مرموز و سرّی رهبری غیرعادی انقلاب ایران ناشناخته است» (هراتیان، ۱۳۸۶: ۱۱). میشل فوکو نیز با اذعان به قدرت ولایت فقیه می‌نویسد: «شخصیت آیت‌الله‌خمينی پهلو به افسانه می‌زند، هیچ رهبری سیاسی، نمی‌تواند ادعا کند که مردمش با او پیوندی چنین نیرومند دارند» (به نقل از: پزشکی و دیگران، ۱۳۷۹: ۱۴۸). در دوران زعامت مقام معظم رهبری نیز این عنصر بیمه‌کننده انقلاب یعنی ولایت فقیه، همچنان به‌عنوان پرچم هدایتی در بحران‌های داخلی و خارجی متعدد، نظیر بحران‌های سال ۷۸ و ۸۸، انرژی هسته‌ای، و گفتمان‌سازی‌های متعددی همچون گفتمان‌های مردم‌سالاری دینی، عدالت، و جنبش نرم‌افزاری، نقش بی‌بدیل خود را ایفا نموده است. نقشی که مقام معظم رهبری در ایجاد وحدت و یکپارچگی جامعه به‌منظور بستن راه نفوذ دشمن برای رسیدن به اهدافش در جنگ نرم دارند مؤثر و غیرقابل انکار است و می‌تواند به‌عنوان مؤثرترین مؤلفه قدرت نرم جمهوری اسلامی به‌شمار آید.

یکی دیگر از ابعاد نظریه مردم‌سالار دینی، نقش مردم در حکومت است. مرحوم میرزای نائینی (ره) در خصوص اهمیت مشارکت مردمی در امور مختلف حکومتی با استناد به آیه شریفه و شاورهم فی‌الامر چنین استدلال می‌کنند:

دلالت آیه مبارکه و شاورهم فی‌الامر که عقل کل و نفس عصمت را به آن مخاطب و به مشورت با عقلای امت مکلف فرموده‌اند، بر این مطلب (مبتنی‌بودن اساس حکومت اسلامی بر مشارکت تمام ملت در نوعیات مملکت از راه مشاوره با عقلای امت) در کمال بداهت و ظهور است، چه بالضروره معلوم است مرجع ضمیر جمیع، نوع امت و قاطبه مهاجرین و انصار است نه اشخاص خاصه و تخصیص آن به‌خصوص عقلا و ارباب حل و عقد، از روی مناسبت حکمیه و قرینه مقامیه خواهد بود نه از باب صراحت لفظیه و دلالت کلمه مبارکه (فی‌الامر) که مفرد محلی و مفید عموم اطلاقی است بر اینکه متعلق مشورت مقرر در شریعت مطهره، کلیه امور سیاسیه است.... سیره

مقدسه نبويه صلى الله عليه وآله در مشورت با اصحاب و (اشيروا على اصحابي) فرمودن در حوادث را كتب سير مشروحا متضمن و موافقت آن حضرت با ارائه اكثر به جايي منتهي بود كه حتى در غزوه أخذ با اينكه راي مبارك شخص حضرتش با جماعتي از اصحاب، عدم خروج از مدینه مشرفه را ترجيح فرمود و بعد هم همه دانستند كه صلاح و صواب همان بود، مع هذا چون اكثریت آرا بر خروج مستقر بود، از اين رو با آنان موافقت و آن همه مصائب جليله را تحمل فرمود.

در مردم سالاری دینی، برخلاف نظام های سیاسی اقتدارگرا و توتالیتر، به درخواست ها و تقاضاهای مردم در تصمیم گیری ها و بازخوردهای اجرای سیاست های متخذه توجه می شود و مردم در فرایند تصمیم گیری چه به صورت توده ای و چه به صورت نهادینه شده، مثلاً از طریق احزاب سیاسی، مشارکت فعال دارند به عبارت دیگر در این گونه از نظام ها مشارکت سیاسی واقعی و فعال می باشد. شکی نیست كه در حوزه هایی كه حكم شرع مشخص هست مردم به واسطه مسلمان بودن تمایلی به حرام نمودن حلال خدا و یا حلال نمودن حرام خدا را ندارند كه حلال محمد حلال الی یوم القیمه و حرامه حرام الی یوم القیمه (الكلینی، ۱۳۸۸: ج ۱: ۷۵). اما در دایره مباحات كه دامنه آن هم بسیار وسیع هست مردم نقش اساسی و کلیدی را می توانند ایفا كنند و حكومت با نظر مردم به صورت مستقیم و یا به صورت غیر مستقیم با انتخاب رئیس جمهور و نمایندگان مجلس می توانند در فرایند تصمیم گیری و اجرای سیاست ها در عرصه های مختلف داخلی و خارجی مشارکت داشته باشند.

علاوه بر مشارکت اجتماعی و فعال مردم در فرایند تصمیم گیری و انتخاب رهبران سیاسی و اجتماعی خود در انتخابات مجلس خبرگان، مجلس شورای اسلامی، ریاست جمهوری، و انتخابات شوراها، نباید از نقش مهم و حمایتی مردم در مصونیت نظام جمهوری اسلامی از انواع تهدیدها و تحریم های سخت افزاری و نرم افزاری استکبار جهانی و اذتاب آن غفلت نمود. حوادث و وقایع بعد از انقلاب اسلامی كه سرشار از توطئه های گوناگون، همچون کودتاهای نافرجام، شورش های قومی با محرک خارجی، ترورها، و در رأس آنها جنگ تحمیلی هشت ساله بود، كه تنها و تنها عامل خنثی سازی

همه این توطئه‌ها، حمایت بی‌دریغ توده‌های ملت حاضر در صحنه از انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی بوده است. مردم هر زمان که احساس می‌کردند نظام در خطر است و مورد تهدید قرار گرفته است، گروه‌گروه وارد صحنه می‌شدند و با حضور و ایثار جان و مال خود خطرات را دفع می‌کردند. آن‌ها بدون هیچ چشم‌داشتی و تنها از آن‌جهت که انقلاب و نظام را از آن خود می‌دانستند و می‌دانند، حامی و یار و یاور رهبران خود بودند و به آن‌ها در برخورد با دشمنان گوناگون قدرت مضاعف می‌دادند. هیچ نظامی بدون حمایت مردمی نمی‌تواند در مقابل دشمن و یا دشمنان داخلی و خارجی خود پایدار بماند. بنابراین یکی از اصلی‌ترین مؤلفه قدرت نرم جمهوری اسلامی حمایت قاطعانه مردمی بوده است که توانست کسری‌های ناشی از قدرت سخت و نیمه‌سخت نظام را جبران کند.

مؤلفه دوم. ارزش‌های عدالت و شهادت

فرهنگ عدالت‌طلبی و شهادت‌طلبی نیز از دیگر مؤلفه‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شوند. فرانسیس فوکویاما، نظریه‌پرداز نئومحافظه‌کار آمریکایی در سال ۱۳۶۷ در یک سخنرانی با عنوان *بازشناسی هویت شیعه* می‌گوید:

شیعه پرنده‌ای است که افق پروازش خیلی بالاتر از تیرهای ماست. پرنده‌ای که دو بال دارد، یک بال سبز و یک بال سرخ، بال سبز این پرنده مهدویت و عدالت‌خواهی و بال سرخ او، شهادت‌طلبی است که ریشه در کربلا دارد. این دو بال شیعه را فناپذیر کرده است. اما این پرنده، زرهی به‌نام ولایت‌پذیری به‌تن دارد که با آن زره قدرتش دوچندان می‌شود. در میان مذاهب اسلامی، شیعه تنها مذهبی است که به ولایت فقهی نظر دارد. یعنی فقیه می‌تواند ولایت داشته باشد، این نگاه، برتر از نظریهٔ نجبگان افلاطون است (به نقل از ایزدی: ۱۳۸۷، ۸).

اجرای عدالت از مهم‌ترین اهداف اساسی بعثت پیامبران و حکومت صالحان هست که در بسیاری از آیات و روایات و سیره عملی معصومین به‌صورت بنیادین مطرح شده است. قرآن در آیه ۲۵ سوره حدید، هدف از ارسال پیامبران و نازل کردن کتاب را قیام کردن مردم به قسط و عدل بیان می‌کند (لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ

الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ)، و در آیه ۸ سوره مائده، ضمن دعوت به اقامه عدل و نهی از ظلم به دیگران، نزدیک‌ترین راه رسیدن به تقوا را اجرای عدالت دانسته است (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ)، در آیه ۱۲۴ سوره بقره مقام امامت و رهبری را پیمانی الهی و ضد ظلم و توأم با عدل می‌داند (قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ). ضدیت اسلام با ظلم تا به حدی هست که قرآن کریم حتی از گرایش و تمایل به ظالمین نهی نموده: «به کسانی که ستم کردند متمایل نشوید که آتش (دوزخ) به شما می‌رسد و در برابر خداوند برای شما دوستانی نخواهد بود و سرانجام یاری نخواهید شد» (وَلَا تَرْكَبُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَيَمَسَّكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُم مِّن دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ) (سوره هود: آیه ۱۱۳). شهید مطهری با استناد به حدیث نبوی اجرای عدالت را مایه دوام حکومت‌ها، هرچند کافر، و ستم و تبعیض را سبب فروپاشی حکومت‌ها محسوب می‌کنند (۱۳۵۸، ۷۷).

علی (ع)، مظهر و شهید عدالت، نیز در بیانات مختلف خود بر این ارزش محوری تأکید نمودند: عدل شالوده‌ای است که جهان هستی بر آن بنا شده است (العدل اساس به قوام العالم)؛ هیچ دژی همچون عملی ساختن عدالت حاکمیت را پاسداری نمی‌نماید (ماحصن الدول بمثل العدل) (حکیمی: ۱۳۸۴، ج ۶). عدالت از منظر امام علی به اندازه‌ای ضرورت دارد که فرمانروایان آن را باید در نوع نگاه، اشاره و سلام کردن نیز باید مراعات نمایند: «در نظر کردن با مردم به گوشه چشم یا به رویاروی و در اشارات کردن و درودگفتن به آنان یکسان باش (عدالت را رعایت کن) تا توانمندان طمع نوزند که آرام آرام کفه مهر ترا به سود خویش سنگین کنند، و ناتوانان از عدالت تو ناامید نگردند» (و آس بینهم فی اللحظه و النظرة و الإشارة و التحيه حتى لا يطمع العظماء فی حيفك و لا يبأس الضعفاء من عدلك) (نهج البلاغه: نامه ۲۷). برپایی و نشر عدالت در سراسر جهان و از بین بردن هرگونه نابرابری و تبعیض، در رأس برنامه‌های منجی عالم بشریت حضرت مهدی (عج) نیز قرار دارد. رسول اکرم (ص) بارها بر این نکته اساسی تأکید فرمودند که «اگر از عمر دنیا تنها یک روز باقی بماند، خداوند آن روز را آنقدر

طولانی می‌گرداند، تا در آن، مردی از اهل بیت من که اسم او اسم من و کنیه او کنیه من است، ظهور کرده و زمین را پر از قسط و عدل گرداند، پس از آنکه پُر از ظلم و جور شده باشد» (لؤلؤم یبق من الدنیا اِلَّا یوما واحد ل طول الله ذلک الیوم حتی یبعث فیه رجلاً من اُمّتی و من اهل بیتی یوا طی اسمهُ اسمی یملاء الارض قسطاً و عدلاً، کما ملئت ظلماً و جوراً) (صافی گلپایگانی: ۱۴۲۸، فصل دوم، باب اول)

بنابراین با عنایت به مبانی دینی ارزش اجرای عدالت، یکی از مؤلفه‌های اصلی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران، تأکید بر اجرای عدالت و مقابله با فقر و فساد و تبعیض به‌عنوان یکی از اهداف و ظایف دولت اسلامی محسوب می‌شود، که با اهداف و ظایف نظام‌های سیاسی موجود در قرن بیستم در تمایز می‌باشد. در یک طیف لیبرالیست‌ها و لیبرتاریانیست‌هایی مانند رابرت نوزیک قرار می‌گیرند که علی‌الاصول قائل به تقدم آزادی فردی و به‌ویژه مالکیت خصوصی هستند، نابرابری را طبیعی فرض می‌کنند، دولت را یک شر ضرور می‌انگارند و حداکثر قائل به دولت حداقلی هستند که در آن صرفاً وظیفه تأمین امنیت را برای حفظ حقوق و آزادی‌های فردی شهروندان را داراست. بنابراین به‌هیچ وجه موافق مداخله دولت در مسائل اقتصادی و اجتماعی برای توزیع اقتصادی به‌نفع محرومین نمی‌باشد، و قائل به این هستند که مکانیسم نامریی بازار آزاد و عرضه و تقاضا باید تعیین‌کننده باشد و نه دخالت دولت در این‌گونه مسائل. در طیف دیگر نیز مارکسیست‌ها و سوسیالیست‌ها قرا دارند که با مخالفت با هرگونه مالکیت خصوصی خواهان برابری و بر خورداری اقتصادی و اجتماعی همه افراد جامعه بر اساس نیاز می‌باشند و بنابراین خواهان مالکیت اشتراکی، ایجاد مساوات و برابری، و حذف مالکیت خصوصی با به‌کارگیری زور و اجبار و از طریق خشونت‌آمیز هستند.

تجربه این دو نوع از حکومت نشان‌داده که تفکر لیبرتاریانیست‌ها به افزایش شکاف طبقاتی و حذف بسیاری از طبقات محروم جامعه با عنایت به قاعده بقای انبساط داروینیسیم اجتماعی می‌شود. در طیف دیگر نیز با حذف مالکیت خصوصی طبقاتی نوظهور به‌وجود آمدند و نه تنها به برابری اقتصادی دست نیافتند، بلکه با حاکمیت سیاست بر اقتصاد ناکارآمدی مزمونی گریبان‌گیر اقتصاد این کشورها شد. آن‌ها نه تنها در

مقام عمل نتوانستند به مساوات موعود دست یابند بلکه طبقه استثمارگر جدیدی از درون حزب بلشویک و دایره سیاسی تنها حزب مسلط و با ابزار قرارداد دولت ظهور پیدا کردند که با حذف مالکیت خصوصی منجر به قرارداد تمام امتیازات و مالکیت‌های به‌ظاهر جمعی در اختیار تعداد محدودی از رهبران حزبی (جیلاس، ۱۳۵۲). تجارب قرن بیستم از این نوع نظام‌های سیاسی به زوال و فروپاشی نظام‌های سوسیالیستی و کمونیستی از یک‌سو و اصلاح در نظام‌های سرمایه‌داری به‌شکل‌گیری دولت‌های رفاهی حکایت دارد.

در نظام سیاسی برآمده از نظریه مردم‌سالاری دینی، علاوه بر تأمین امنیت به‌عنوان وظیفه حکومت، و ضمن به‌رسمیت‌شناختن نابرابری‌های ناشی از شایستگی‌ها، استعداد و توانمندی‌ها با سازوکارهایی، از جمله اخذ زکات و خمس و مالیات‌های اسلامی، بر اجرای عدالت به‌عنوان یکی از مهم‌ترین وظایف دولت اسلامی تأکید نموده و با مکانیسم‌هایی الزامی و داوطلبانه، مانند انفاق، تلاش دارد که ضمن پذیرش اختلاف در درآمد بر کاهش فاصله طبقاتی تأکید کند. علاوه بر وظیفه تأمین امنیت و اجرای عدالت، نظام اسلامی وظیفه رشد و هدایت مردم را نیز وظیفه خود می‌داند که از طریق نهادهای مختلف جامعه‌پذیری در جهت آن حرکت می‌کند.

علاوه بر ایجاد عدالت به‌عنوان یکی وظایف مهم دولت جمهوری اسلامی، یکی دیگر از مؤلفه‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی، شهادت‌طلبی به‌عنوان یک ارزش در برابر ظلم مستبدین و متجاوزین خارجی هست که با تأسی از نهضت تاریخی سالار شهیدان و قیام کربلا مانند خون در رگه‌های فرهنگ شیعه جریان دارد. قرآن کریم شهادت‌طلبی و جهاد در راه خدا را هنر کسانی می‌داند که زندگی آخرت و خشنودی خداوند را بر زندگی ناپایدار دنیا برگزیدند: «پس باید کسانی که زندگی دنیا را به آخرت سودا می‌کنند در راه خدا بجنگند و هر کس در راه خدا بجنگد و کشته یا پیروز شود به‌زودی پاداشی بزرگ به او خواهیم داد» (فَلْيُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَشْرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ وَمَنْ يُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيُقْتَلْ أَوْ يَغْلِبْ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا) (سوره نساء: آیه ۷۴)؛ تا دست‌یابی به شهادت از راه و هدف خود دست برندارند (و

چه بسیار پیامبرانی که همراه او توده‌های انبوه کارزار کردند و در برابر آنچه در راه خدا به ایشان رسید سستی نورزیدند و ناتوان نشدند و تسلیم [دشمن] نگردیدند و خداوند شکیبایان را دوست دارد» (وَكَايِنَ مَنْ نَبِيٍّ قَاتَلَ مَعَهُ رِبِّيُونَ كَثِيرًا فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ) (آل عمران: آیه ۱۴۶)؛ بر تقدیم دوستی جهاد در راه خدا بر خویشان و اموال خود اصرار دارند «بگو اگر پدران و پسران و برادران و زنان و خاندان شما و اموالی که گرد آورده‌اید و تجارتی که از کسادهش بیمناکید و سراهایی را که خوش می‌دارید نزد شما از خدا و پیامبرش و جهاد در راه وی دوست‌داشتنی‌تر است پس منتظر باشید تا خدا فرمانش را [به اجرا در] آورد و خداوند گروه فاسقان را راهنمایی نمی‌کند» (قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِنُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ) (سوره توبه: آیه ۲۴)؛ و به‌رغم احتیاج خود نیاز دیگران را بر خود برگزیدند «و هر چند در خودشان احتیاجی [مبرم] باشد آن‌ها را بر خودشان مقدم می‌دارند» (وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ) (سوره حشر: آیه ۹). عشق به ایثار و شهادت آن چنان با افکار و اندیشه‌های مؤمنین به اسلام ناب آمیخته شده است که برای شوق وصال یار حاضرند همه زندگی خود را فدای آن کنند، همان‌گونه که مولا علی (ع)، امام شهیدان در این خصوص می‌فرماید: «به‌خدا سوگند اگر عشق به مقام شهادت و لقای حق نبود اصلاً به جنگ با دشمن نمی‌پرداختم و از شما جدا می‌شدم» (وَاللَّهِ لَوْلَا رَجَائِي الشَّهَادَةَ عِنْدَ لِقَائِي الْعَدُوِّ - وَلَوْ قَدْ حُمَّ لِي لِقَاؤُهُ - لَقَرَّبْتُ رِكَابِي ثُمَّ شَخَّصْتُ عَنْكُمْ، فَلَا أَطْلُبُكُمْ) (نهج‌البلاغه: خطبه ۱۱۹)

همواره نقاط عطف و سرنوشت‌ساز قیام مردم ایران در ماه محرم و به‌خصوص ایام تاسوعا و عاشورای حسینی رقم خورده است. قیام ۱۵ خرداد و راهپیمایی‌های میلیونی مردم ایران در تاسوعا و عاشورای سال ۵۷ که منجر به فرار شاه از ایران شد، از نمونه‌های بارز این موضوع است. هنگامی که مردم، حکومت شاه را سمبل حکومت یزید معرفی کردند، سبب ایجاد اوج تنفر و انزجار و بسته‌شدن هرگونه راه آشتی با وی

شد (ایزدی، ۱۳۸۷: ۲۲). نقش فرهنگ شهادت و ایثار، پیروزی خون بر شمشیر، در ۲۲ بهمن سال ۵۷ نیز غیرقابل انکار است، که در آن مردم انقلابی با دست خالی به مقابله با توپ و تانک و مسلسل‌های مزدوران طاغوت رفتند. اوج تجلی فرهنگ شهادت‌طلبی در هشت‌سال دفاع مقدس نمایان شد، چرا که شهادت‌طلبان بسیجی با کمترین تجهیزات سخت‌افزاری توانستند بر ارتش تا دندان مسلح متجاوز بعثی، که توسط استکبار جهانی و اذنانب منطقه‌ای و بین‌المللی آن حمایت می‌شد، پیروز شوند. این فرهنگ به‌هیچ‌وجه قابل مقایسه با فرهنگ خودخواهی، سودپرستی، استثمار، سیاست‌های مداخله‌جویانه مدعیان لیبرال دموکراسی در غرب و سوسیالیسم در شرق نمی‌باشد. آن‌هایی که برای ارضای نیازهای مادی و دنیوی خود وارد میدان کار و زار علیه مردم مظلوم فلسطین، لبنان، افغانستان، و عراق شدند.

مؤلفه سوم. اصول استقلال و آزادی

یکی دیگر از مؤلفه‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران، ارزش‌های تفکیک‌ناپذیر آزادی‌خواهی و استقلال‌طلبی می‌باشد. دو مشکل اساسی جامعه ایران و بسیاری از کشورهای منطقه در سده‌های اخیر، یعنی استبداد و وابستگی، چنان به هم گره خورده که انفکاک یکی از دیگری میسر نیست و منجر به شکست مدل‌ها و تئوری‌هایی شده که فقط یکی از آن‌ها را مورد توجه قرار دادند. نهضت‌های اسلامی در سده اخیر در ایران نشان‌دهنده که مدل‌های لیبرالیستی و یا سوسیالیستی برای مقابله با استبداد در ایران بدون توجه به وابستگی حاکمان این کشورها به خارج از کشورها شکست خورده‌اند. ملت مسلمان ایران پس از گذر از نهضت ضداستبدادی مشروطه و نهضت ضداستعماری ملی‌شدن نفت به این تجربه ارزشمند دست یافت که علت اساسی و مشخص عدم موفقیت این نهضت‌ها در بی‌توجهی سران نهضت به ارتباط بین دو پدیده استبداد داخلی و وابستگی بیرونی به یکدیگر هست. و این چیزی بود که در شعار استقلال، آزادی جمهوری اسلامی ملت ایران تبلور یافت.

تفکر مقابله با سلطه جهانی و دستیابی به استقلال در ابعاد مختلف آن برآمده از اصل نفی سبیل و و اصل تولی و تبری است که ریشه در آیات قرآنی دارد که در آن‌ها

وابستگی به هر شکلی مردود اعلام شده است: در سوره نساء آیه ۱۱۴، «هیچگاه خداوند راهی برای پیروزی و تسلط کافران بر مؤمنین قرار نداده است» (وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا)؛ مسلمانان را از اینکه دوستی و ولایت غیرمسلمانان را بپذیرند سخت برحذر داشته است «ای کسانی که ایمان آورده‌اید یهود و نصاری را دوستان [خود] مگیرید [که] بعضی از آنان دوستان بعضی دیگرند و هر کس از شما آن‌ها را به دوستی گیرد از آنان خواهد بود آری خدا گروه ستمگران را راه نمی‌نماید» (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَىٰ أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ) بدیهی است که نفی سلطه به معنای نداشتن رابطه با دیگر ملت‌ها و دولت‌ها نمی‌باشد. بلکه در اسلام اصل بر ایجاد رابطه هست (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ) (آل عمران: آیه ۲۰۰))، الا در مواردی که منجر به تسلط بیگانگان بر مسلمانان گردد.

اصل آزادی نیز حق فطری همه انسان‌هاست و دارای منشأیی الهی و توحیدی است، که کلام سرور آزادگان جهان «بنده دیگری مباش که خداوند تو را آزاد آفریده است» (لا تکن عبد غیرک فقد جعلک الله حراً) (نهج البلاغه: نامه ۳۱) مشعر بر آن می‌باشد. قرآن کریم نیز در سوره اعراف، آیه ۱۵۷، یکی از اهداف بعثت انبیای الهی را آزادی انسان‌ها از قید و بندها می‌داند «و از [دوش] آنان قید و بندهایی را که بر ایشان بوده است برمی‌دارد» (وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ)، و بر آزادی بیان افراد مخالف با حکومت و دخالت در امور جامعه تأکید کرده است «مردی مؤمن از خاندان فرعون که ایمان خود را نهان می‌داشت گفت آیا مردی را می‌کشید که می‌گوید پروردگار من خداست و مسلماً برای شما از جانب پروردگارتان دلایل آشکاری آورده و اگر دروغگو باشد دروغش به زیان اوست و اگر راستگو باشد برخی از آنچه به شما وعده می‌دهد به شما خواهد رسید چرا که خدا کسی را که افراطکار دروغزن باشد هدایت نمی‌کند» (وَقَالَ رَجُلٌ مُؤْمِنٌ مِّنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَكْتُمُ إِيمَانَهُ أَتَقْتُلُونَ رَجُلًا أَنْ يَقُولَ رَبِّيَ اللَّهُ وَقَدْ جَاءَكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ مِنْ رَبِّكُمْ وَإِنْ يَكُ كَاذِبًا فَعَلَيْهِ كَذِبُهُ وَإِنْ يَكُ صَادِقًا يُصِيبْكُمْ

بَعْضُ الَّذِي يَعِدُكُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ كَذَّابٌ» (سوره غافر: آیه ۲۸). استاد مطهری نیز ضمن تأکید بر آزادی اندیشه و بیان، آن را غیر از توطئه و فریب کاری می داند: همه باید آزاد باشند که حاصل اندیشه‌ها و تفکرات اصیل شان را عرضه کنند، البته تذکر می دهیم که این امر سوای توطئه و ریاکاری است. توطئه ممنوع است ... در حکومت اسلامی احزاب آزادند. هر حزبی اگر عقیده غیراسلامی هم دارد آزاد است. اما ما اجازه توطئه گری و فریب کاری نمی دهیم ... برخورد عقاید غیر از اغوا و اغفال است. اغوا و اغفال یعنی کاری توأم با دروغ، توأم با تبلیغات نادرست انجام دادن.

آرمان استقلال طلبی و آزادی خواهی ملت ایران به رهبری امام خمینی بود که از سال ۴۲ به بعد منجر به اعتراض به قانون ننگین کاپیتولاسیون (مصونیت مستشاران آمریکایی) و ایستادگی ملت مسلمان ایران در مقابل استبداد رژیم سلطنتی مورد حمایت نظام سلطه گردید. رژیم مستبد وابسته‌ای که نهضت اسلامی را با حمله دژخیمانه به فیضیه و دانشگاه و همه کانون‌های پُر خروش انقلاب سرکوب نمود، و به مذبوحانه‌ترین اقدامات ددمنشانه جهت رهایی از خشم انقلابی مردم دست زد. پیروزی نهضت عظیم ملت بزرگ ایران در ۲۲ بهمن ۵۷ منجر به فروریختن استبداد داخلی و سلطه خارجی حامی آن و درهم شکستن تمام محاسبات و مناسبات و نهادهای امپریالیستی شد که در نوع خود سر فصل جدیدی بر انقلابات گسترده مردمی در جهان شد.

بنابراین یکی از علل جاذبه نظام جمهوری اسلامی ایران در میان مردم مسلمان و مستضعف جهان همین مؤلفه استقلال طلبی و اصل نه شرقی و غربی در سیاست خارجی ایران هست که بر آمده از ضدیت ملت ایران با نظام سلطه است. به رغم اهمیت اصول استقلال و آزادی، به مثابه مؤلفه‌های قدرت نرم انقلاب اسلامی، تفکیک بین این دو از یکدیگر می تواند خطرات و تهدیدهایی را برای هر دوی آنها در برداشته باشد. چه بسا از آزادی سواستفاده شود و وسیله‌ای برای حمایت از گرایش‌های لیبرالیستی، سکولاریستی و اومانیستی، سلطه نظامی، اقتصادی، و فرهنگی بیگانه بر کشور، و تجاوز به حقوق و آزادی‌های دیگران قرار گیرد. همین طور، استقلال طلبی هم می تواند مجوزی برای تفکرات ناسیونالیستی افراطی و بی توجهی به حقوق دیگر مسلمانان و انسان‌های

مستضعف در گوشه و کنار جهان، و یا توجیهی برای اختناق و سلب آزادی‌ها و حقوق مشروع و قانونی دیگر مذاهب اسلامی، اقلیت‌های مذهبی و سیاسی گردد. دغدغه‌های فوق‌الذکر و تفکیک‌ناپذیری دو اصل مهم استقلال و آزادی از یکدیگر به‌خوبی در اصل نهم قانون اساسی به آن اشاره شده است:

در جمهوری اسلامی ایران آزادی و استقلال و وحدت و تمامیت ارضی کشور از یکدیگر تفکیک‌ناپذیرند و حفظ آن‌ها وظیفه دولت و آحاد ملت است. هیچ فرد یا گروه یا مقامی حق ندارد به نام استفاده از آزادی به استقلال سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی و تمامیت ارضی ایران کمترین خدشه‌ای وارد کند و هیچ مقامی حق ندارند به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور آزادی‌های مشروع را، هر چند با وضع قوانین و مقررات، سلب کند.

نتیجه

در این تحقیق، با بهره‌برداری از دو روش توصیفی و تحلیلی، مشخص گردید جمهوری اسلامی ایران، به‌مانند دیگر نظام‌های مردم‌سالار، در پی افزایش قدرت فتح اذهان، افکار و قلوب مردم ایران و بسیاری از آزادی‌خواهان منطقه و جهان بوده است. پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران در ۲۲ بهمن سال ۵۷ اولین اثر عملی آن بود که منجر به ابطال نظریات مبتنی بر سکولاریزم، سوسیالیسم و لیبرالیسم شد. پس از پیروزی انقلاب نیز این قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران بوده است که منجر به جبران کسری قدرت سخت و نیمه‌سخت ایران در مواجهه با بحران‌های امنیتی گروه‌های تروریستی برای ایجاد ناامنی و ترور نیروهای دولتی و مردمی، جنگ تحمیلی ۸ ساله بعثی‌های عراق علیه ایران با حمایت امنیتی، اطلاعاتی و تسلیحاتی غرب و اذتاب منطقه‌ای آن، و انواع تحریم‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی غرب به رهبری آمریکا علیه ایران گردید. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که نوع قدرت نرم مورد استفاده در جمهوری اسلامی در تمایز با قدرت نرم به‌کار گرفته شده در نظام‌های لیبرال دموکراسی غربی می‌باشد. با استناد به آیه ۲۵۶ سوره بقره می‌توان از دو نوع قدرت نرم نام برد: قدرت نرم مبتنی بر اغوا، که قدرت‌های شیطانی از آن برای فریب و تسلط بر توده‌ها استفاده

می‌کنند؛ و قدرت نرم مبتنی بر ارشاد، که قدرت‌های الهی از آن برای هدایت مردم بهره‌برداری می‌کنند. با توجه به این دو نوع تقسیم‌بندی، قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران از نوع قدرت نرم رشد محور، به معنای توانایی نفوذ در رفتار دیگران بدون تهدید و یا اغوا، و عمدتاً بر پایه ارشاد محسوب می‌شود.

در خصوص مؤلفه‌های اصلی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران نیز می‌توان آنرا مرکب از سه عنصر تفکیک‌ناپذیر نظام جمهوری اسلامی، یعنی نظریه مردم‌سالاری دینی، فرهنگ شهادت و عدالت، و اصول استقلال و آزادی، دانست. این مؤلفه‌های سه‌گانه نیز خود از مستبطن از مبانی اسلام اصیل، و به‌ویژه فرهنگ متعالی شیعه است. مؤلفه اول، مردم‌سالاری دینی، از دو بُعد تفکیک‌ناپذیر ولایت فقیه عادل و مردم‌سالاری تشکیل شده است: ویژگی اول آن حکایت از حاکمیت فقیه عادل در زمان غیبت امام معصوم می‌کند که در تمایز با نظام‌های سیاسی موجود در جهان می‌باشد که در آن یک نفر، چند نفر، و یا اکثریت تماشاگر حاکمیت دارند؛ ویژگی مردم‌سالاری نیز علاوه بر مشارکت اجتماعی و فعال مردم در فرایند تصمیم‌گیری و انتخاب رهبران سیاسی و اجتماعی خود در انتخابات گوناگون، بر نقش مهم و حمایتی مردم در مصونیت نظام جمهوری اسلامی از انواع تهدیدها و تحریم‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری استکبار جهانی و اذتاب آن دلالت دارد.

ارزش‌های عدالت و شهادت نیز از دیگر مؤلفه‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران به‌شمار می‌روند. ارزش عدالت معطوف به یکی از مهم‌ترین اهداف و وظایف دولت جمهوری اسلامی می‌باشد که منجر به تمایز آن از نظام‌های لیبرال دموکراسی غربی و نظام‌های سوسیالیستی و کمونیستی شده است. ارزش اساسی که یک نظام اسلامی، حداقل از لحاظ نظری، بر آن تأکید می‌کند عدالت می‌باشد، و نه برابری کمونیستی و آزادی مورد ادعای لیبرالیست‌ها. در این نوع از نظام سیاسی اختلافات و نابرابری‌های اقتصادی، اجتماعی، و سیاسی ناشی از شایستگی‌ها، و توانمندی‌ها به‌رسمیت شناخته شده است، و با سازوکارهایی الزامی، از جمله اخذ مالیات‌های اسلامی، و راه‌کارهای داوطلبانه، مانند انفاق، بر اجرای عدالت و کاهش فاصله عمیق طبقاتی،

به‌عنوان یکی از مهم‌ترین وظایف دولت اسلامی، تأکید می‌شود. یکی دیگر از مؤلفه‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی، شهادت‌طلبی به‌عنوان یک ارزش در برابر ظلم مستبدین و متجاوزین خارجی هست که با تأسی از فرهنگ تاریخ‌ساز تاسوعا و عاشورای حسینی نقش مهم و کلیدی در بسیج و پیروزی ملت مسلمان ایران در مقابل رژیم ستم‌شاهی، مقابله با تجاوز نظامی رژیم بعثی، و توطئه‌های داخلی و خارجی پس از انقلاب داشته است.

آخرین مؤلفه قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران، که این مقاله به آن پرداخت، دو اصل تفکیک‌ناپذیر آزادی و استقلال می‌باشد، که معطوف به حل دو معضل به‌هم گره‌خورده جامعه ایران و بسیاری از کشورهای منطقه در سده‌های اخیر، یعنی استبداد و وابستگی، می‌باشد. این مؤلفه بر آمده از تجارب عبرت‌آموز شکست نهضت‌های ضداستبدادی یا ضداستعماری اخیر در ایران قبل از پیروزی انقلاب بوده است. تفکیک بین این دو اصل از یکدیگر می‌تواند خطر استبداد داخلی و استعمار خارجی را تشدید نماید و تهدیدهایی را برای استقلال کشور در ابعاد مختلف نظامی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی کشور، و حقوق و آزادی‌های و حقوق مشروع و قانونی ملت و به‌ویژه اقلیت‌های قومی، مذهبی و سیاسی به‌وجود آورد.

در نهایت و با عنایت به اهمیت قدرت نرم در همه نظام‌های مردم‌سالار، و ویژگی ممتاز رشد محوری آن در نظام جمهوری اسلامی ایران بر این نکته تأکید می‌شود که نظریه مردم‌سالاری دینی، ارزش‌های عدالت و شهادت، و اصول استقلال و آزادی، به‌عنوان مؤلفه قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران، از اصول و آرمان‌های جاذبی، در مقام نظر، حکایت می‌کند که توانسته منجر به جلب افکار، اذهان و قلوب ملت ایران و مردم مستضعف دیگر کشورها گردد. بنابراین، هر چه قدر ملت و دولت ایران در مقام عمل بر اساس این اصول، ارزش‌ها و آرمان‌ها رفتار نمایند و به لوازم آن متعهد و ملتزم باشند در ارتقای کمی و کیفی قدرت نرم جمهوری اسلامی سهم هستند و از برکات و آثار داخلی و خارجی آن بهره‌مند خواهند شد.

منابع فارسی

- افتخاری، اصغر، «دو چهره قدرت نرم، قدرت نرم معنا و مفهوم». اصغر افتخاری، قدرت نرم و سرمایه اجتماعی، جلد اول. دانشگاه امام صادق (ع) و پژوهشکده مطالعات بسیج. ۱۳۸۷.
- ایزدی، حجت‌الله، «مبانی قدرت نرم در جمهوری اسلامی ایران». مطالعات بسیج. سال یازدهم. شماره ۴۰. پاییز. صص ۷-۳۰. ۱۳۸۷.
- پزشگی، محمد و دیگران، انقلاب اسلامی و چرایی و چگونگی رخداد آن، قم: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، دفتر نشر معارف. ۱۳۷۹.
- جیلاس، میلوان، طبقه جدید (تحلیلی از تحول جامعه کمونیست). ترجمه عنایت‌الله رضا. انتشارات دانشگاه تهران. ۱۳۵۲.
- حکیمی محمدرضا، محمد حکیمی و علی حکیمی، الحیاه. جلد ششم. چاپ دوم. انتشارات دلیل ما. ۱۳۸۴.
- روزنامه اطلاعات، ۸۲/۱۰/۱۴.
- صافی گلپایگانی، لطف‌الله، منتخب الاثر. چاپ دوم. انتشارات کتابخانه آیت‌الله صافی. ۱۴۲۸ ه.ق.
- طبرسی، ابومنصور شیخ احمد بن علی بن ابیطالب، احتجاج. ترجمه ابراهیم بهادری و محمد هادی، زیر نظر استاد جعفر سبحانی. قم. ۱۴۱۳.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با آخرین اصلاحات و تغییرات. گردآورنده: ناصر رسایی‌نیا. نشر سمن. ۱۳۷۹.
- قرآن کریم
- الکلینی الرازی، ابی جعفر محمد بن یعقوب. الاصول من الکافی. المکتبه الاسلامیه. ۱۳۸۸ ه.ق.
- لاپیر، ژانویلیام، قدرت سیاسی، ترجمه بزرگ نادرزاده، فروزان. ۱۳۷۵.
- مطهری، مرتضی. جاذبه و دافعه علی علیه السلام. چاپ نهم. انتشارات صدرا. ۱۳۶۸.
- مطهری، مرتضی، بیست گفتار. انتشارات صدرا، چاپ پنجم. ۱۳۵۸.
- مطهری، مرتضی، پیرامون انقلاب اسلامی. چاپ نهم. انتشارات صدرا. ۱۳۷۲.
- نایینی، میرزا محمد حسین (بی‌تا). تنبیه‌الامه و تنزیه‌المله، با مقدمه و توضیحات سید محمود طالقانی. چاپخانه فردوسی.
- نهج البلاغه. ترجمه محمد دشتی. چاپ سوم. انتشارات مشرقین. ۱۳۷۹.

هراتیان، علی، یک گام تا ظهور، قم: سبطنبی. ۱۳۷۶.

لاتین

- Chomsky, Noam *Media Control: The Spectacular Achievements of Propaganda*. Open Media Pamphlet Series. New York: Seven Stories Press. 1997.
- Herman, Edward S. and N. Chomsky. *Manufacturing Consent: The Political Economy of the Mass Media*. New York: Pantheon. 1988.
- Nye, J. S, "Soft Power", *Foreign Policy*, (80): 153-171. 1990b.
- Nye, J. S, "The Changing Nature of World Power", *Political Science Quarterly*, Summer, 105(2): 177-192. 1990a.
- Nye, J. S, *Bound To Lead: The Changing Nature Of American Power*, Basic Books. 1991.
- Nye, J. S, *Soft Power: The Means to Success in Politics*, New York: Public Affairs. 2004.





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی